

بقعه شیخ طرشتی | خانواده خوب - ۲

پناهیان: کسی که برای بچه‌دار شدن ارزش قائل نیست؛ در واقع برای «انسان» و «بنده خدا» ارزش قائل

نیست/ ثواب برخی کارهای ساده زن و مرد در خانه، از هزار عبادت و خدمت اجتماعی بالاتر است

پناهیان: اگر یک خانم بگوید: «من تحصیل کرده‌ام اما الان خانه‌داری را بر هر شغل دیگری ترجیح می‌دهم» او باید احترامش ده برابر شود، چون واقعاً آدم فهمیده‌ای است. خانه‌داری کار ساده‌ای نیست. البته بعضی‌ها با خانه‌داری، «حداقلی» برخورد می‌کنند و زیاد برایش وقت نمی‌گذارند ولی می‌شود با آن «حداکثری» برخورد کرد ... گاهی اوقات آقایانی که دیر ازدواج می‌کنند ناشی از بی‌غیرتی دینی است، یعنی زیاد دنبال تقرب به خدا و کسب نور و معنویت نیستند. آدم متاهل نسبت به مجرد، خیلی می‌تواند از نظر معنویت و نورانیت بالاتر باشد.

بخش‌هایی از **دومین** روز سخنرانی حجت الاسلام علیرضا پناهیان در بقعه شیخ طرشتی با موضوع «**خانواده خوب**» را در ادامه

می‌خوانید:

اصلاح و ارتقاء انسان در خانواده راحت‌تر از هر جای دیگری است/ ثواب برخی کارهای ساده زن و مرد در

خانه، از هزار عبادت و خدمت اجتماعی بالاتر است

- گفتیم که اصلاح خانواده نسبت به اصلاح فرد و جامعه، از اولویت و اولیت برخوردار است. یکی از دلایلش، سهولت اصلاح فرد در خانواده و کسب نور و معنویت در خانه است. یعنی اعضای یک خانواده به کمک همدیگر راحت‌تر می‌توانند راه ارتقاء و سعادت را طی کنند، ولی اصلاح جامعه خیلی سخت‌تر و پیچیده‌تر است. یک فرد هم اگر بخواهد به تنهایی خودش را اصلاح کند، بدون یار و همراه، خیلی برایش سخت است. **رسیدگی به وضع معنوی افراد در خانواده، راحت‌تر از این است که یک فرد بخواهد به تنهایی رشد کند و یا اینکه در یک جامعه بخواهیم به وضع معنوی افراد برسیم.**

- شما راه تقرب به خدا و رسیدن به درجات عالی کمال را از کجا می‌خواهید پیدا کنید؟ از نماز شب؟ از صدقه دادن و کمک کردن به دیگران؟ از خدمت کردن به محرومین؟ از ایثار به مردم؟ بیشتر از همه این کارهای خوب، تعامل و رفتار درست با همسر و فرزندان در خانواده، به انسان نورانیت و معنویت می‌دهد. شما وقتی در خانواده، برخی از اقدامات خیلی ساده را انجام می‌دهید، ثوابش از هزار تا عبادت و خدمت اجتماعی بالاتر است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «اینکه یک مردی کنار همسر خود بنشیند و صحبت کند، در نزد خداوند از اعتکاف آن مرد در کنار خانه کعبه بهتر است و ثوابش بالاتر است؛ جُلُوسُ الْمَرْءِ عِنْدَ عِيَالِهِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِمَّنْ اِغْتِكَافٍ فِي مَسْجِدِي هَذَا» (مجموعه ورام/ج ۲/ص ۱۲۲) خُب، اگر کسی بخواهد سطح معنویت خود را ارتقاء دهد و نفس خود را اصلاح کند، این کار در خانواده راحت‌تر است و سختی و زحمت چندانی هم ندارد.

با خوشحال کردن همسر و فرزند خود به درجات بالای بهشت برسید!

- امام رضا (ع) می‌فرماید: «اگر مرد، یکی از زنان محرم خود (مثل مادر، خواهر، دختر، همسر...) را خوشحال کند، خداوند متعال در روز قیامت او را خوشحال خواهد کرد؛ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَى الْإِنَاثِ أَرْأَفُ مِنْهُ عَلَى الذُّكُورِ وَ مَا مِنْ رَجُلٍ يُدْخِلُ فَرْحَةً عَلَى امْرَأَةٍ بَيْنَهُ وَ بَيْنَهَا حُرْمَةً إِلَّا فَرَحَهُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ کافی/ج ۶/ص ۶) حالا کسی که این کار راحت را انجام نمی‌دهد و این افرادی که نزدیک او هستند را خوشحال نمی‌کند و در عوض می‌خواهد با خوشحال کردن مردم دیگر به درجاتی برسد، در واقع کار خودش را سخت کرده است. مثلاً وقتی می‌توانیم با یک هدیه کوچک (مثل یک گل سر) دختر خودمان را خوشحال کنیم و با خریدن یک

لباس ساده، همسر خود را خوشحال کنیم، چرا از این ثواب بزرگ صرفنظر کنیم؟! ضمن اینکه به مردها توصیه شده است برای همسرشان لباس بخرند.

- پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «هر کسی فرزند خودش را ببوسد، بابت هر بوسه، خدا به او یک درجه در بهشت می‌دهد که بین هر دو درجه، به اندازه مسیری پانصدسال فاصله است؛ أَكثَرُوا مِنْ قُبْلَةٍ أَوْلَادِكُمْ فَإِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قُبْلَةٍ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ مَسِيرَةَ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ» (وسائل الشیعه/ ۲۱/ ۴۸۵) انسان چقدر می‌خواهد در بیرون خانه‌اش، کارهای خوب انجام دهد که به این مقدار ثواب و پاداش برسد؟! پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «کسی که از خدمت کردن به خانواده‌اش سرباز نزند، بدون حساب وارد بهشت خواهد شد؛ مَنْ لَمْ يَأْتَفْ مِنْ خِدْمَةِ الْعِيَالِ دَخَلَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (جامع الاخبار/ ص ۱۰۲)

ثواب جمع کردن در خانه خیلی ساده است/ مبارزه با هوای نفس در خانه، هم راحت است و هم عدم رعایتش خطرناک

- ثواب جمع کردن در خانه خیلی ساده است. اگر می‌خواهد رشد کنی، بیشترین ثواب‌ها را در محیط خانواده می‌توانی برای خودت جمع کنی. مثلاً به پدر و مادر خودت احترام بگذار و به هر شکلی که می‌توانی قلب آنها را خوشحال کن، تا بگویند: «پسرم یا دخترم! الهی خیر ببینی!» این دعای خیر پدر و مادر برای تو مستجاب خواهد شد، و هیچ چیزی مثل این دعا، برای تو نخواهد بود و سرمایه زندگی و بندگی‌ات قرار نمی‌گیرد. آدم بیرون خانه چه ثوابی می‌خواهد بالاتر از این کسب کند؟! **ثواب‌هایی که آدم می‌تواند در خانه برای خودش جمع کند، قابل مقایسه نیست با ثواب‌هایی که بیرون خانه جمع می‌کند.**

- مبارزه با هوای نفس در خانه، از یک سو خیلی راحت است و از سوی دیگر اگر رعایت نشود، خیلی خطرناک است. یک نمونه از نتایج رعایت نکردن این مسأله در خانه، عاقق والدین است که اگر فرزندی والدین خود را اذیت کند دچار این خطر خواهد شد. یک نمونه دیگر از عدم رعایت این مسأله در مورد اهل خانه، در این روایت دیده می‌شود که رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «مرد مؤمن طبق میل خانواده‌اش غذا می‌خورد (غذایی که خانواده‌اش دوست دارند می‌خورد) ولی مرد منافق، خانواده‌اش مطابق میل او غذا می‌خورند؛ الْمُؤْمِنُ يَأْكُلُ بِشَهْوَةِ عِيَالِهِ وَالْمُنَافِقُ يَأْكُلُ أَهْلُهُ بِشَهْوَتِهِ» (وسائل الشیعه/ ۲۱/ ۵۴۲) البته معنایش این نیست که اهل و عیال مرد مؤمن اصلاً به میل او غذا نمی‌خورند! معلوم است که خانم‌ها معمولاً غذایی درست می‌کنند که شوهرشان دوست دارد، ولی اگر مردی مثل یک سلطان بی‌رحم رفتار کند که خانواده‌اش به بردگی کشیده شوند و از ترس او مجبور شوند غذایی که خودشان دوست ندارند، سر سفره بگذارند و بخورند؛ این روحیه منافقانه است؛ منافق که شاخ و دم ندارد!

متاسفانه فرهنگی شکل گرفته که مردم تصور می‌کنند یک «خانم خانه‌دار»، بیکار است و حرمت ندارد!

- همان‌طور که برای استفاده بهتر از مسجد، خانه خدا و زیارت عتبات آدابی وجود دارد، برای استفاده از محیط خانواده جهت ارتقاء سطح معنوی انسان نیز آدابی وجود دارد. خانه و خانواده، برای خودش آداب و آیینی دارد و حرمت بسیار بالایی دارد اما متاسفانه آن‌قدر نسبت به این مسأله، بد برخورد کرده‌ایم که در جامعه، فرهنگی شکل گرفته است که وقتی یک خانمی بگوید «من خانه‌دار هستم» مردم تصور می‌کنند او بیکار است و حرمت ندارد!

- واقعش این است که **اگر یک خانم بگوید: «من تحصیل کرده‌ام اما الان خانه‌داری را بر هر شغل دیگری ترجیح می‌دهم» او باید احترامش ده برابر شود، چون واقعاً آدم فهمیده‌ای است. خانه‌داری کار ساده‌ای نیست. البته**

بعضی‌ها با خانه‌داری، «حداقلی» برخورد می‌کنند و زیاد برایش وقت نمی‌گذارند ولی می‌شود با آن «حداکثری» برخورد کرد.

- ثوابی که خانم می‌تواند از دادن یک لیوان آب دست شوهرش ببرد، آیا در جای دیگری می‌تواند ببرد؟! امام صادق(ع) می‌فرماید: «هر زنی که به همسرش جرعه‌ای آب بدهد، ثواب عبادت یک سال نماز و روزه و شب‌زنده‌داری به او می‌دهند و به ازای هر شربتِ آبی که به شوهرش داده، خداوند شهری در بهشت برایش بنا می‌کند و شصت گناه او را می‌آمرزد؛ مَا مِنْ امْرَأَةٍ تَسْقِي زَوْجَهَا شَرْبَةً مِنْ مَاءٍ إِلَّا كَانَ خَيْرًا لَهَا مِنْ عِبَادَةِ سَنَةِ صِيَامٍ نَهَارُهَا وَ قِيَامٍ لَيْلِهَا وَ يَنْبِيَّ اللَّهُ لَهَا بِكُلِّ شَرْبَةٍ تَسْقِي زَوْجَهَا مَدِينَةً فِي الْجَنَّةِ وَ غَفَرَ لَهَا سِتِّينَ حَطِيئَةً» (وسائل الشيعه/ ۱۷۲/۲۰)
- از سوی دیگر، خانمی که شوهرش از دست او ناراضی و عصبانی باشد، آیا عبادت و نماز خواندنش قبول است؟! (پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: هشت گروه هستند که نمازشان مورد قبول خداوند قرار نمی‌گیرد: ... زن نافرمانی که خلاف رضای مشروع شوهرش رفتار کند و شوهرش از دست او خشمگین باشد؛ ثَمَانِيَةٌ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ لَهُمْ صَلَاةَ الْعَبْدِ الْأَبِيحُ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَوْلَاهُ وَ النَّاشِئُ عَنْ زَوْجِهَا وَ هُوَ عَلَيْهَا سَاخِطٌ...؛ من لا يحضره الفقيه/ ۸۸/۱) جالب اینجاست که همان موقعی که خانم، به شوهرش ظلم کرده است، ممکن است حسّ نماز خواندن هم به او دست بدهد و دوست داشته باشد مفصل‌تر نماز بخواند. چرا؟ چون نمازش قبول نیست، شیطان هم مانع نماز خواندنش نمی‌شود و باعث می‌شود نماز به او بچسبد و مزه بدهد! در حالی که الان وقت این است که رابطه‌اش را با شوهرش درست کند نه اینکه برود نماز بخواند.
- ما اگر دنبال سعادت و کمال هستیم، باید بدانیم که سعادت و کمال در خانواده بیشتر و راحت‌تر به دست می‌آید. پس چرا نباید به خانواده اولویت بدهیم؟ خدمت به خانواده ثوابش خیلی بیشتر از عبادت فردی است و حتی ثوابش از خدمت به مردم هم بالاتر است. نور و معنویت در تعاون با خانواده برای دینداری بیشتر از نور و معنویت در عبادت فردی است. پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «مردی که یک ساعت در خدمت خانواده‌اش باشد ثوابش از هزار سال عبادت و هزار حجّ و عمره و... بالاتر است؛ سَاعَةٌ فِي خِدْمَةِ الْعِيَالِ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ أَلْفِ سَنَةٍ وَ أَلْفِ حَجٍّ وَ أَلْفِ عُمْرَةٍ وَ خَيْرٌ مِنْ عِتْقِ أَلْفِ رَقَبَةٍ وَ أَلْفِ غَزْوَةٍ وَ أَلْفِ عِبَادَةِ مَرِيضٍ وَ ...» (جامع الاخبار/ ص ۱۰۲)

بعضی‌ها بی‌خیالی به خانواده را برای خودشان «کلاس» می‌دانند! / مرد نسبت به دین خانواده خودش مسئول است

- گاهی اوقات یک فضایی ایجاد می‌شود که بی‌خیالی و بی‌توجهی به خانواده را نوعی «کلاس» می‌دانند! در حالی که احساس بی‌مسئولیتی نسبت به خانواده، در واقع سبک زندگی وحشیانه‌ای است که در تمدن غرب نمونه‌های فراوان آن را می‌توان دید و متأسفانه بعضی‌ها با آن برای خودشان «کلاس» می‌گذارند!
- مرد نسبت به دین خانواده خودش مسئول است و این مسأله باید برایش مهم باشد. امام صادق(ع) می‌فرماید: وقتی این آیه نازل شد «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» مردم از پیامبر(ص) پرسیدند چگونه خودمان و خانواده خود را از آتش جهنم حفظ کنیم؟ حضرت فرمود: اعمال صالح انجام دهید و خانواده خود را هم به طاعت خدا توصیه کنید؛ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا قَالَ النَّاسُ يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ نَقِي أَنْفُسَنَا وَأَهْلِيْنَا قَالَ اعْمَلُوا الْخَيْرَ وَ ذَكَّرُوا بِهِ أَهْلِيكُمْ فَأَذَّبُوهُمْ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ أَلَا تَرَى أَنَّ اللَّهَ يَقُولُ لِنَبِيِّهِ وَ أَمْرٌ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَ اصْطَبِرْ عَلَيْهَا؛ دعائم الاسلام/ ۸۲/۱) و پیامبر اکرم(ص)

می‌فرماید: «مرد مسئول نگهداری و تربیت و راهبری خانواده و فرزندانش است؛ الرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ» (مجموعه ورام/ ۶/۱)

- البته مرد نباید در این باره نسبت به اهل خانه‌اش، بداخلاقی کند و این بداخلاقی را به نام دین انجام دهد. مثلاً نباید بچه‌هایش را به شکل نامناسبی برای نماز صبح بیدار کند و باعث شود که بچه‌ها از نماز خواندن خاطره بدی داشته باشند. حضرت امام (ره) به فرزندان خود می‌فرمودند: «نوه‌های من (بچه‌های خودتان را) به تلخی برای نماز صبح بیدار نکنید تا از نماز بدشان بیاید» باید با رفیق و مدارا و با یک ظرافت‌هایی عمل کرد تا موجب زدگی فرزندان نشود ولی باید بدانیم که نسبت به دین خانواده خود مسئول هستیم.

کسی که برای بچه‌دار شدن ارزش قائل نیست؛ در واقع برای «انسان» و «بنده خدا» ارزش قائل نیست

- آدم‌های مجرد (خصوصاً آقایان) که به فکر تشکیل خانواده نیستند، چگونه می‌خواهند برای خودشان ثواب جمع کنند؟ اگر گناهی که در معرضش قرار دارند را در نظر نگیریم، لاقلاً آنها با ازدواج نکردن، یک محیط خیلی خوب برای ثواب جمع کردن را از دست داده‌اند. **گاهی اوقات آقایانی که دیر ازدواج می‌کنند ناشی از بی‌غیرتی دینی است، یعنی زیاد دنبال تقرب به خدا و کسب نور و معنویت نیستند. آدم متاهل نسبت به مجرد، خیلی می‌تواند از نظر معنویت و نورانیت بالاتر باشد.**

- متأسفانه گاهی اوقات بعضی‌ها تا چند سال بعد از ازدواج، هنوز تصمیم به بچه‌دار شدن نگرفته‌اند! کسانی که برای بچه‌دار شدن ارزش قائل نیستند یا خانم‌هایی که برای مادر شدن ارزش قائل نیستند، در واقع برای «انسان» و بنده خدا ارزش قائل نیستند، و اینها برای خودشان هم ارزش قائل نیستند. تولید و تولّد یک انسان خیلی ارزشمند است و به همین دلیل مادر شدن اجر فوق‌العاده‌ای دارد. کسی که خانواده تشکیل می‌دهد و در خانه او چند فرزند در حال رشد و نمو هستند، در واقع دارد برای پروردگار عالم، بنده تربیت می‌کند؛ و این یک عبادت بسیار ارزشمند است! **کسی که از این راه دنبال بندگی خدا نباشد و فقط بخواهد با نماز خواندن به خدا مقرب شود، چقدر نتیجه می‌گیرد؟ چون این هم نوعی خودخواهی و هواپرستی است و از عبودیت و بندگی خدا فاصله دارد. در واقع معنایش این است که «پس خودم چی؟!» یا «من می‌خواهم راحت باشم» و کسی که بخواهد راحت باشد، نمی‌تواند به خدا مقرب شود.**

چرا غربی‌ها برده صهیونیست‌ها شدند؟/کسی که «خانواده» ندارد، موجود ذلیلی است

- **آخر و نهایت «من می‌خواهم راحت باشم» همین فرهنگ منحط و زندگی منحوسی است که در غرب برای مردم ساخته‌اند. می‌دانید چرا این فرهنگ را بر اساس «دلم می‌خواهد» بنا کرده‌اند؟ برای اینکه یک مشت صهیونیست، خیلی راحت بتوانند همه را به بردگی بکشانند. امروز در غرب، حدود ۵ میلیون نفر دارند ۵ میلیارد نفر را به بردگی می‌کشانند. البته در میانشان برده‌های مرفه، برده‌های فقیر، برده‌های باسواد و دانشمند و انواع برده‌ها دیده می‌شود. نشانه بردگی‌شان هم این است که هیچ کدام از آن کشورها بدون اجازه اسرائیل (که از استان‌های ما هم کوچکتر است)، آب نمی‌خورند! سیاستمداران و بزرگان غرب برای هر کاری باید بروند اسرائیل و از صهیونیست‌ها اجازه بگیرند و مردم غرب هم اصلاً نمی‌گویند چرا باید بزرگان ما بروند و در مقابل**

صهیونیست‌ها، کوچکی کنند؛ چون مردمی که حیثیت انسانی از آنها گرفته شده باشد، این ذلت‌ها و بردگی کردن‌ها، به عزتشان بر نمی‌خورد، آنها اصلاً عزت ندارند.

- امروز جوامع بزرگ غربی عزت ندارند. جامعه‌ای که در آن «خانواده» مهم نباشد، همین‌طور بی‌عزت می‌شود. آن‌وقت بعضی از آدم‌های سطحی و ظاهرین که می‌گویند: «این غربی‌ها چقدر منظم هستند و چقدر حرف پلیس را خوب گوش می‌دهند!»، زشتی ذلتی که عامل این نظم شده است را نمی‌بینند. البته نظم و اطاعت از پلیس چیز خوبی است اما منظم بودن آنها به خاطر درک انسانی آنها نیست؛ کسی که خانواده ندارد، موجود ذلیلی است و لذا از هر کس - از جمله پلیس - حرف شنوی دارد و آماده برده شدن است. البته لزوماً همه نظم غربی‌ها ناشی از بی‌خانوادگی و بی‌عزتی آنها نیست، ولی بخش قابل توجهی از آن به همین خاطر است.

نظم ناشی از بی‌عزت و بی‌خانواده بودن، فایده ندارد/کسی که از روی بی‌عرضگی گناه نمی‌کند، فریبت ندهد!

- بی‌نظمی و عصیانگری جوانی که در فرهنگ شرقی زندگی می‌کند، اما اصالت انسانی خود را از دست نداده است، ترجیح دارد به نظم کسی که به خاطر بی‌عزت و بی‌حیثیت و بی‌خانواده بودن، منظم شده است. اگر شما به یک جوان ایرانی بگویید: اصلاً معلوم نیست پدر تو کیست! قطعاً به او برمی‌خورد، اما در غرب، خیلی از جوان‌ها معلوم نیست پدرشان کیست و اصلاً هم به آنها بر نمی‌خورد، چون برایشان عادی شده است. در حالی که این مسأله نباید برای یک انسان عزتمند عادی بشود.
- کسی که نظم‌پذیر است و از پلیس اطاعت می‌کند باید روی یک حساب و مبنای درست، اطاعت کند و الا اگر اطاعتش از روی ذلت و بی‌عزتی باشد و همه‌جا فرمان‌پذیر باشد به یک «برده» تبدیل می‌شود! فرمان‌پذیری و نظم چنین کسی در نهایت به نفع قدرت‌های برتر و ظالمی که روی او سلطه دارند تمام می‌شود و ما این نظم را نمی‌خواهیم، چون زشتی و آثار منفی آن بیشتر از زیبایی و آثار خوب آن است.
- امام رضا(ع) می‌فرماید: «اگر کسی اخلاقش خوب بود و گناه نکرد، فریبتش را نخورد شاید عرضه گناه کردن ندارد. اگر هم عرضه داشت گناه کند و گناه نکرد، باز هم فریبتش را نخورد شاید این گناه را دوست ندارد و یک گناه دیگر را دوست دارد؛ إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ قَدْ حَسَنَ سَمْتَهُ وَ هَدْيَهُ وَ تَمَاوَتَ فِي مَنْطِقِهِ وَ تَخَاصَعَ فِي حَرَكَاتِهِ فَرُؤَيْدًا لَا يَغْرَنَكُمُ فَمَا أَكْثَرَ مَنْ يُعْجِزُهُ تَنَاوُلُ الدُّنْيَا وَ رُكُوبُ الْمَحَارِمِ مِنْهَا لِضَعْفِ نَبِيَّتِهِ وَ مَهَانَتِهِ وَ جُبْنِ قَلْبِهِ فَتَصَبَّ الدِّينَ فَخًا لَهَا...» (احتجاج/۲/۳۲۰) مثلاً ممکن است کسی اهل هرزگی نباشد، ولی اهل پول‌پرستی باشد، و شاید اهل هیچ‌یک از این دو نباشد ولی اهل مقام‌پرستی باشد و به خاطر اعتبار اجتماعی‌اش حاضر باشد گناه کند. حضرت توجه می‌دهند که فریب ظاهر خوب را نخورید.

ما نمی‌خواهیم به هر قیمتی، منظم و خوش‌اخلاق شویم /برخی از سخنان اخلاقی، آدم‌ها را برده صهیونیست‌ها تربیت می‌کند

- ما نمی‌خواهیم به هر قیمتی، منظم یا خوش‌اخلاق بشویم و خوب رفتار کنیم. لذا درس اخلاقی که آدم‌ها را برده صهیونیست‌ها تربیت کند، به چه درد می‌خورد؟! اتفاقاً صهیونیست‌ها همان قدر که سرمایه‌گذاری می‌کنند تا به وسیله هرزگی، انسان‌ها را برده خود کنند، همان قدر هم سرمایه‌گذاری می‌کنند تا انسان‌ها را به وسیله

اخلاق، برده خودشان کنند. مثلاً به مردم‌شان توصیه می‌کنند: در مشکلات، صبور باشید! حضرت امام(ره) می‌فرمود: «بر فرض که امریکا یک طرح صد در صد اسلامی- انسانی بدهد، ما باور نمی‌کنیم که آنها به نفع صلح و منافع ما گامی بردارند. اگر امریکا و اسرائیل «لا اله الا الله» بگویند، ما قبول نداریم؛ چرا که آنها می‌خواهند سر ما کلاه بگذارند. آنها که صحبت از صلح می‌کنند، می‌خواهند منطقه را به جنگ بکشند.» (صحیفه امام/۱۵/۳۳۹)

- **پدرها و مادرهای محترم که می‌خواهند بچه‌های خود را تربیت کنند، باید انگیزه بچه را در انجام کارهای خوب در نظر بگیرند. مثلاً برای درس خواندن بچه، انگیزه صحیح به او بدهند. متأسفانه بعضی از پدر و مادرها از همان ابتدا انگیزه بد و خراب به بچه خود می‌دهند و مثلاً می‌گویند: «درس بخوان تا پیش پسرخاله یا فامیل، کم نیاوری!» یا می‌گویند: «درس بخوان تا یک اعتباری در جامعه پیدا کنی!» یعنی از همان اول بچه را دنبال حب مقام و دنیاطلبی می‌فرستند، با این انگیزه‌های غلط، بچه خود را متظاهر، حسود و کینه‌توز بار می‌آورند.**

اصلی‌ترین محل تربیت خانه است و مدرسه معاون و مشاور خانه در امر تربیت است

- پدر و مادر مسئول دین خانواده و بچه‌های خود هستند و خانواده بهترین جایی است که می‌تواند این دینداری را توسعه دهد و تعمیق ببخشد. اگر در یک جامعه‌ای خانواده‌ها در حفظ و تقویت دین خود موفق بودند، آن جامعه اصلاح می‌شود و افراد هم در این جامعه اصلاح خواهند شد.
- در اصل جای تربیت در خانه است و مدرسه در امر تربیت، به تعبیری معاون و مشاور خانه محسوب می‌شود. کسی که در خانه، تربیت نشود، چگونه می‌خواهد در مدرسه تربیت شود؟! البته استثناء همیشه وجود دارد، مثلاً برخی آدم‌ها خودشان می‌توانند علی‌رغم خانواده بدی که دارند، خوب بشوند ولی اینها استثناء هستند. ممکن است برخی آدم‌ها در محیط خانواده، خوب نشوند و در مدرسه یا مسجد، خوب بشوند ولی اصل بر این است که آدم‌ها در خانه و خانواده خوب بشوند.

اصل بر این است که زن و شوهر «با هم» خوب شوند/همسر هر کس در واقع کمک و یار او برای بندگی خداوند است

- یک روز بعد از ازدواج فاطمه زهرا(س) با علی(ع)، پیامبر اکرم(ص) به خانه ایشان رفتند و یک ظرف شیر برایشان بردند، سپس از علی(ع) پرسیدند: «همسرت را چگونه همسری یافتی؟ یعنی نظرت درباره خانم چیست؟ حضرت علی(ع) فرمود: ایشان کمک عالی برای من در جهت بندگی خداوند است. و همین سؤال را از حضرت زهرا(س) پرسیدند و ایشان پاسخ دادند: همسر بسیار خوبی دارم؛ فَسَأَلَ عَلِيًّا كَيْفَ وَجَدْتَ أَهْلَكَ قَالَ نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَ سَأَلَ فَاطِمَةَ فَقَالَتْ خَيْرَ بَعْلِ «مناقب آل ابیطالب/۳/۳۵۶» این روایت زیبا نشان می‌دهد، همسر هر کسی در واقع کمک و یار او برای بندگی خداوند است و اصل هم بر این است که زن و شوهر «با هم» خوب بشوند.
- اگر یک خانم از شوهر خودش گله کند و بگوید شوهر من آدم بدی است، غالباً باید به او توصیه کرد که سعی کند شوهر خود را درست کند، چون واقعه این است که خانم‌ها خیلی می‌توانند روی همسر خودشان اثر مثبت بگذارند و خداوند این توانایی را به آنها داده است. خانم‌ها روی همسرشان خیلی مؤثر هستند و می‌توانند در دینداری شوهر خود کمک‌ش کنند. اگر بخوانند از توانایی

خدادادی خود برای درست کردن شوهرشان استفاده کنند راهش را بلد هستند. و الا اگر نخواهند از این توانایی استفاده کنند و فقط بخواهند دعا کنند هیچ فایده‌ای ندارد.

وقتی مادر، ام‌البنین(ع) باشد در این خانه فرزندی مثل ابوالفضل‌العباس(ع) تربیت می‌شود

- خانواده محل رشد و تعالی انسان است و نقش تربیت‌کنندگی مادر در خانواده فوق‌العاده است. وقتی مادر، ام‌البنین(ع) باشد در چنین خانه و خانواده‌ای می‌تواند فرزندی مثل ابوالفضل‌العباس(ع) رشد کند. همان عباسی که شب عاشورا وقتی اباعبدالله‌الحسین(ع) به یارانش فرمود: شما می‌توانید بروید، اولین کسی بود که بلند شد و عرض کرد: «یعنی می‌گویید ما بعد از شما زنده باشیم و نفس بکشیم؟! هرگز، خدا آن روز را نیاورد» (بدأ القول العباس بن علی ع فقال: له لم نفعل ذلك؟ لنبقى بعدك؟! لا أرانا الله ذلك أبدا) «وقعة الطف/ ۱۹۸» شاید یک تعبیر سطحی از این سخن‌عباس(ع) این باشد که: اگر تو را رها کنم و بروم، چطور می‌توانم جواب مادرم ام‌البنین را بدهم؟! لذا وقتی خبر شهادت امام حسین(ع) در کربلا را به ام‌البنین دادند، بلافاصله پرسید: پس عباس من آن موقع کجا بود...

